

پس از به ثمر نشستن نهال نوپای انقلاب، بنابدلالی، لیبرالها توانستند چند وقتی حاکمیت و قدرت را بدست گیرند، حاکم شدن لیبرالها را هر کسی بنا به دید و عقیده خویش بگونه‌ای تعبیر و تفسیر میکرد. بعضی آن را ضعف نیروهای انقلابی دانسته و بعضی آنرا نعمتی برای انقلاب که به طرد و انزوا ی آن جریان فکری منجر شده‌می دانستند و بعضی حضورشان را اجتناب ناپذیر فرض کرده عده‌ای را عقیده براین است هم ضعف بود و هم قوت، هم ابتلاء بود و هم نعمت.

بهرحال هرآنچه بوده واقعیتی بود که در جریان انقلاب ظهور پیدا کرد.

اما باید از گذشته عبرت گرفت و با بررسی علل و عوامل ضعف‌ها و خطاها، بقول معروف «از یک سوراخ، دوبار گزیده نشد».

به این منظور «علل و عوامل پیدائی حاکمیت لیبرالها در جریان انقلاب اسلامی را با چندتن از شخصیتها به بحث و گفتگو نستسته‌ایم که در زیر می خوانید:

میشود.

رهبری اسلامی پایگاهی جزمردم و ایمان واراده آنان ندارد درحالیکه رهبرهای دیگر در مسیر تثبیت پایه های قدرت، برزور و تزویر تکیه میکنند.

در نظر رهبر اسلامی، مردم اصل و میزان هستند درحالیکه دیگر رهبران عمدتاً مردم را بصورت ابزار اجرای مقاصد شخصی یا گروهی خود در می‌آورند.

بهرحال چنانکه دیدیم خوشبختانه حضور دو عنصر کارساز امام و امت در صحنه هیچگاه اجازه نداد که ابتکار عمل از دست اسلام قفاهت خارج شود بلکه آنچه پیش آمد با همه اثرات تلخ و ناگوارش در سایه موضع گیریهای الهی امام سبب شد که مردم در جریان عمل و تجربه، بسیاری از مواضع را بشناسند.

روی کار آمدن جریاناتی که هم از نظر فکری و ذهنی و هم از نظر مواضع عملی اختلاف عمده‌ای با انقلاب اسلامی و مواضع رهبری آن داشتند، امپریالیسم را بران داشت که در این جریانات طمع کند و حتی بتواند از کانال آنان و بوسیله عوامل و جاسوسان خود در مراکز تصمیم گیری مملکت نفوذ کند ولی باز هم معجزه رهبری اسلامی بیاری انقلاب آمد و سبب شد که ماهیت ناسازگار این نیروها با حرکت عظیم اسلامی برای مردم روشن تر و روشن تر شود و خود مردم آنها را از صحنه حیات سیاسی

## بهباد نبوی: انقلاب توانسته‌است تا کنون کادریهای جوان و حزب‌اللهی را تربیت کند.

برادر بهزاد نبوی عوامل حضور لیبرالیسم را در جریان انقلاب اسلامی بدینگونه تحلیل کرده و می‌گوید:

من فکر می‌کنم که انقلاب اسلامی در بدو پیروزی علیرغم تمام نقاط قوتش یک نقطه ضعف اساسی داشت و آن اینکه انقلابی بود که متکی به یک نیروی عظیم توده‌ای ولی غیر متشکل بود و به اصطلاح «کادری» نداشت و یا کم داشت. شما اگر انقلاب الجزایر را در نظر بگیرید می‌بینید که تشکیلاتی وجود داشته، ارتش آزاد بیخشی وجود داشته است روزی که انقلاب به حکومت میرسد تمام پستها مشخص شده و تمام مواضع کلیدی در دست کسانی بود که از متن انقلاب برخاسته و کم و بیش به رهبری و انقلاب اعتقاد داشتند هر چند که در کادر حاکم آن انقلاب نیز بعدها تغییر و تحولاتی بوجود آمد که ناشی از ضعف‌های

# چگونه و چرا در دورانی از انقلاب لید

## حجت‌الاسلام خاتمی: مردم و ایمان واراده آنان ندارد

### رهبری اسلامی پایگاهی جزمردم و ایمان واراده آنان ندارد

حجت‌الاسلام خاتمی در پاسخ به این سوال که اصولاً شما علت حضور حاکمیت لیبرالی را در جریان انقلاب اسلامی چگونه بررسی می‌کنید و چه زمینه‌هایی باعث حضور این جریان در انقلاب شد؟ می‌گوید:

هنگامیکه انقلاب اسلامی پیروز شد، امامت جامعه همچنانکه رسالت او است، امکان داد تا همه جریاناتی که اسلام را می‌خواهند یا دست کم تعارض عمده‌ای با اسلام و حرکت اسلامی از خود نشان نمی‌دهند را در زیر چتر گسترده انقلاب نگاه‌دارد و در ضمن هوشیاری و بیداری مردم را نیز تقویت کند تا خود مردم بهنگاه مقتضی و در لحظه‌ای که مصلحت اسلام و انقلاب اسلامی ایجاب میکند تصمیم خود را بگیرند. و همینجا نیز تفاوت عمده رهبر اسلامی با دیگر رهبرانی که در ایجاد حرکت‌های اجتماعی نقش داشته‌اند آشکار



حذف کنند و می‌بینیم که از آغاز تاکنون در سایه پیوند عمیق رهبری اسلامی با توده‌های آگاه و بیدار مردم، جامعه و حرکت، دم بدم از ناخالصیها و انودگیها پالایش یافته است و نیروهای اصلیل، یخواست مردم و طی جریانی طبیعی و قانونی عهده دار مسئولیتها در مملکت شده‌اند و اینها همه، تجربه‌های گرانبهایی است که برای آینده جامعه بسیار سودمند است و میزان آسیب پذیری انقلاب اسلامی و نظام را بشدت کاهش داده است.

هم اکنون نیز گرچه از جریانات سابق الذکر اثر مختصری باقی است ولی خوشبختانه در روح و وجدان جامعه انقلابی و اسلامی نه تنها جانی ندارند که بشدت مورد اعتراض هستند، گویانکه دشمنان جهانی انقلاب اسلامی تلاش فراوان دارند که از جنازه این جریانات نیز در مسیر منافع توسعه طلبانه خود و بازگرداندن ایران بدوران اسارت بشین بهره بگیرند ولی تجربه شان داده است که رهبری و مردم، هوشیارتر از آنند که بگذارند، ترفندهای رسوای دشمنان، موثرافتد و بنظر میرسد تا هنگامیکه توده‌های مومن و انقلابی با همین شیوه که تاکنون بوده است در صحنه و پشت سر امام باشند هیچ امکانی برای بازگشت این نیروها بصحنه وجود ندارد.



کاراجرائی آن غولی نیست که جناح روشنفکر و تکنوکرات برایش درست کرده‌اند.

همین برادران جوان حزب الهی که درجهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب و سایر ارگانها و نهادهای کارمی کنند، کادریهای ساخته شده انقلاب اسلامی هستند که پس از پیروزی انقلاب تربیت شدند و طبیعی است که در آن زمان که انقلاب کادری نداشت روجه نیروهانی بی‌آورد که مسلمان، با تجربه سیاسی و اجرایی و تاحدودی شناخته شده باشند. خوشبختانه در حال حاضر انقلاب توانسته کادریهای خودش را بسازد. نیروهای اصیل توانسته‌اند جایگاه خودشان را پیدا کنند. این که روحانیت در اثر تلقینات ضدانقلاب تصور میکرد نمی‌تواند کاراجرائی بپذیرد و مثلاً وزیر کشور، نخست وزیر، و یا رئیس جمهور شود دیگر از بین رفته و روحانیت نقش واقعی و فعال خودش را در جامعه بدست آورده است و در ضمن انقلاب کادریهای جوان، انقلابی، اگرچه کم تجربه را توانسته بسازد. و اینها در حاکمیت نقش اساسی را پیدا کرده‌اند این سبزی بود که می‌بایست انقلاب طی می‌کرد و نسل انقلاب باید حاکمیت را در دست می‌گرفت و امروز کم کم حاکمیت در دست این نسل جوان حزب الهی قرار می‌گیرد تعدادی هم که از نسلهای قبلی مانده با از فقها و روحانیونی هستند که وجودشان در حفظ و حراست انقلاب و مسامحت از انحراف ضروری است و یا عده‌ای نظیر خودمن که انشاء... دوران انتقالی را طی می‌کنیم.

برادر نبوی در مورد احتمال بازگشت حاکمیت لیبرالی به طرق دیگر فرمودند: احتمال بازگشت حاکمیت لیبرالی برانقلاب اسلامی غیرممکن است و انقلاب در مسیر تکاملی خودش روز بروز اسلامی تر، مکتبی تر، انقلابی تر و خالص تر میشود. ناخالص ها را طرد کرده و در خط اصیل ولایت قیبه به پیش خواهد رفت.

بنیه در صفحه ۹۱

های سیاسی نقش تعیین کننده‌ای در حرکت انقلابی مردم نداشتند. انتخاب شدند.

امام امت در تابستان سال ۵۹ پیش از انتخاب شهید رجایی به نخست وزیری طی سخنانی چنین

دیگر بود ولی انقلاب اسلامی، انقلابی بود که تنها اتکایش به خدا و بعد از خدا به رهبری امام و حرکت امت بود. امت بی تشکیلاتی که با مشت گره کرده به خیابانها ریختند و گوش به فرمان امام که از طریق

## حاله‌ها بر آن مسلط شدند؟

مضمونی را مطرح فرمودند: بعد از پیروزی ما دودسته بودیم، یکدسته که از حوزه و مدرسه آمده بودند و تجربه کاراجرائی نداشتند. و دسته دیگری که تجربه داشتند ولی روجه انقلابی نداشتند. گرچه امام در فرمایشات آروزشان انتخاب دولت موقت را بعنوان یک اشتباه مطرح فرمودند ولی به نظر من طبیعی ترین انتخاب در آن زمان این بود که آن دسته

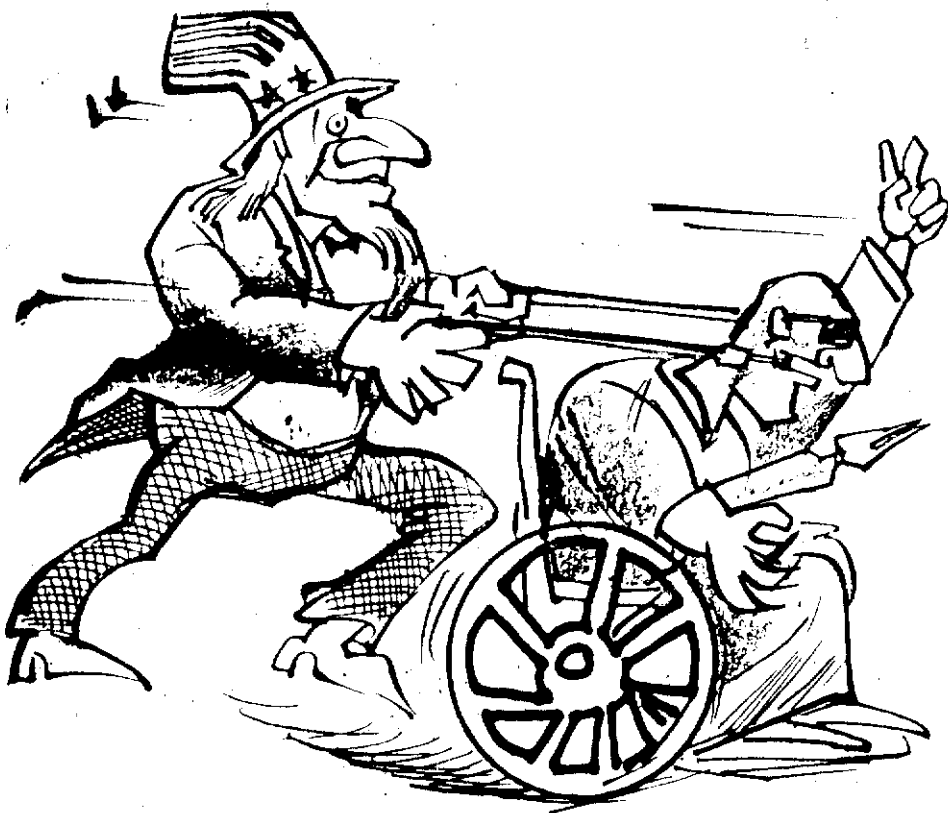
روحانیت متعهد و انقلابی به ایشان می‌رسید خروشان همچون سیل، ریشه های حکومت طاغوتی را از خاکندند. تقریباً هیچ سازمانی، تشکیلات و نیروی منظمی و آماده قابل توجهی که در جریان پیروزی انقلاب نقش داشته باشد وجود نداشت تنها در روزهای آخر قبل از پیروزی، شورای انقلاب تشکیل شد و گروههای کوچک مسلح حفاظت امام را

بهباد نبوی: انقلاب اسلامی در بدو پیروزی علیرغم تمام نقاط قوتش یک نقطه ضعف اساسی داشت و آن اینکه انقلابی بود که متکی به یک نیروی عظیم توده‌ای ولی غیر متشکل بود و به اصطلاح «کادر» نداشت و یا کم داشت.

از مسلمانانی که تجربه و تخصص کاراجرائی دارند قدرت را بدست بگیرند و بلاچار می‌بایست از روشنفکرهای مسلمان استفاده میشد که همانطور که قبلاً گفتم در انقلاب اسلامی نقش اساسی نداشتند و انقلاب مجبور بود برای یک دوره انتقالی از این کادرها استفاده کند تا فرصت تربیت کادریهای خودش را بدست بیاورد و در ضمن روحانیت نیز بتواند تجربه کاراجرائی بدست آورد و یا حداقل متوجه شود که

برعهده داشتند. بنابراین طبیعی است که پس از پیروزی این چنین انقلابی نیروهانی که در حاکمیت شرکت می‌کنند نمی‌توانند نیروهای یکدست و غربال شده‌ای باشند. غرب زده و یا شرق زده بوده و لذا بناچار کارهانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اولین مرحله قدرت را بدست گرفتند اکثراً از بین روشنفکران مکتبای مسلمان که عمدتاً از نظر فکری غرب زده و یا شرق زده بوده و در عین داشتن فعالیت

## چگونه و چرا در.....



برادرنیوی در پاسخ به این سوال که برای انسجام تشکلی نیروهای خط امام چه راههایی را پیشنهاد می کنید. گفتند: انسجام بیشتر در اثر هماهنگی بوجود می آید. اگر مقایسه ای بین دوره حاکمیت لیبرالها و شرایط فعلی بکنیم می بینیم که هماهنگی و انسجام خیلی زیادتر شده است. ولی بازم جا دارد که بیشتر شود. ما باید هماهنگی را در داشتن نقطه نظرهای واحد دادن، جستجو کنیم. کارهای انقلاب وقتی هماهنگی دارند که خط مشی واحد داشته باشند. خط مشی واحد که ماهیت آن همان خط اسلام اصیل و همان خط امام است از دل برنامه ریزی های صحیح فرهنگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استخراج خواهد شد که انشاء الله در آینده نزدیک بشر خواهد رسید و وقتی که در زمینه های فوق الذکر برنامه ریزی واحد شود، اختلاف سلیقه ها و دیدگاههای فردی نمی تواند تاثیری در حرکت کسی جامعه داشته و هماهنگی و انسجام را از بین ببرد. تنها عاملی که در شرایط فعلی میتواند به وحدت و انسجام لطمه بزند یکی همین اختلاف سلیقه های ناشی از بی برنامهگی است و دیگری مسائل نفسانی که خداوند همه را از آسیب آن بدور دارد.

همانطور که قبلا هم ذکر شد، مناسبانه تصور غلطی در بین بعضی از برادران وجود دارد که وحدت وقتی میتواند وجود داشته باشد که دشمن وجود داشته باشد، که نیروهای غیر خط امامی و غیر معتقد به اسلام فقهاتی دار مقابل باشند. که تفکر درستی نیست چرا که وحدت ما مسلمانان منبای اعتقادی و ایدئولوژیکی دارد و لازم نیست در تضاد با ضد انقلاب وحدت پیدا کنیم. بفرض که چنان تلقی انحرافی هم داشته باشیم باید بدانیم که هنوز با دشمنان خارجی و داخلی آنقدر درگیر هستیم که موقع دشمن تراشی جدید نیست.

### مهندس غرضی:

## جریان انقلاب بسوی جایگزینی نیروهای خالصتر به پیش میرود

برادر غرضی علت حذف جریان لیبرالی را از انقلاب اسلامی در عدم اخلاص آنها دانسته و زمینه های حضورشان را اینچنین تفسیر میکند: این تنها لیبرالها نبودند که حضور پیدا کردند خیلی های دیگر بودند که حضور پیدا کردند و حذف شدند و بسیاری هستند که چهره هایشان را مسکن است بیوشاند و هنوز هم باشند و رونکرده باشند. مجموعه شان در رابطه با انقلاب همگی حذف شدنی هستند. خلوص پذیری انقلاب به حدی است که حتی کسانی که درجه خلوصشان مسکن است مثلا به یک در صد خیلی بالائی هم برسد اما یک شائبه هایی در آنها وجود داشته باشد اینها حذف میشوند. ما می بینیم در عرض این ۵ سال چه مدعیان بزرگی از درجه اعتبار ساقط شدند که

بکند این است که روش پیامبرانه در پیش دارد، برخوردار هدایت آمیز میکند و هر کس که صالحتر است هر کس که نیت خیر و تزکیه پذیر دارد، هر کس که به جز در راه خدا ششیر نمیزند در خط می افتد و میرود و بعد بقیه مدعیان، انواع و اقسامشان سیاستمداران، کهنه کارها، اینها در وسط راه می مانند و شما امروز در جمهوری اسلامی ملاحظه می فرمایید که چه بسا برادران خیلی جوانی که عین

لیبرالها جزئی از آنها بودند، مرتجعین روحانی نما که بسیار پر قدرتر از لیبرالها بودند، حذف شدند و همچنین مدعیان دیگر، علت اینکه اینها در بعضی از محلهای میترانند خودنمایی کنند. (من حضور از آنها نمی بینم. خودنمایی از آنها می بینم) من آنها را به عنوان کسانی که بتوانند در رابطه با انقلاب تصمیم بگیرند اصلا نمی بینم آنها کسانی هستند که فکر میکنند بر تصمیم گیریها اثر میگذارند و اینهم باز

مهندس غرضی: خلوص پذیری انقلاب به حدی است که حتی کسانی که درجه خلوصشان بالاست اما شائبه هایی در آنها وجود داشته باشد حذف می شوند.

«اسامه» به رهبری بسیاری از کارهای مشکل گمارده شدند و مسائلشان را حل کردند و چه بسیار سیاستمدارانی که (اعم از لیبرال و غیر لیبرال و مدعی) در وسط راه ماندند. مشکل برای افرادی که انقلاب اسلامی را درک نمیکنند. این موضع هدایت آمیز امام است وقتی با این موضع امام برخورد میکنند اینها تحلیلهای مختلف میدادند بعضیها معتقد بودند که امام در صحنه تصمیم گیری اصلا حضور ندارد، یا امام در چهار چوب اطلاعاتی کار میکند، کانالیزه شده است و بعد فکر میکردند که این کانالیزاسیون را به سمت خودشان برگردانند، مثلا منافعشان پایدار می ماند یا اگر که رل دیگری از سیاست مداری در پیش بگیرند پایدار می ماند اینها مشکلات آنهاست که در رابطه با عقاید و ایدئولوژی آنهاست و حل هم نمیشود و برای آنها امکان ندارد که بتوانند که این درجه ها را باز بکنند، آیه شریفه قرآن میگوید که: «وتنزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للعالمین ولا یزید و الظالمین الا خسارا. این کلیت مطلب بود.

یک خطای ذهنی است کسانی هستند که تصور میکنند بندبازیهای سیاسی میتواند واقعا بر جریانی از انقلاب و قسمتی از جریان انقلاب حاکم باشند علتش هم این است که دستور العمل برای برخورد با انسان در رابطه با رهبری و آنچه که خدا به پیامبرش و به تمام کسانی که از او تبعیت میکنند میگوید اینکه شما برخورد هدایت آمیز بکنید. برخورد هدایت آمیز روی افرادی که خلوص دارند سریعاً آنها را در جهت راه حق رشد میدهد و آنهایی که خلوص ندارند اینقدر با این برخورد هدایت آمیز می جنگند که خودشان حذف میشوند. ممکن است که بعضی متوجه نشویم که برخوردهای هدایت آمیز امام چقدر عمیق بوده است ولی امروز اینها می توانیم ادعا بکنیم که امام نسبت به همه جمعیتها، اقلشار، احزاب عملکردی که داشته امروز شاید یک مدعی هم نداشته باشد جز آنها که عناد می ورزند، اینکه جمهوری اسلامی موفق شد دشمنان خودش را به این راحتی از میدان عمل بیرون بکند و اینکه موفق است مدعیان را در همان اوائل کار از میدان خارج